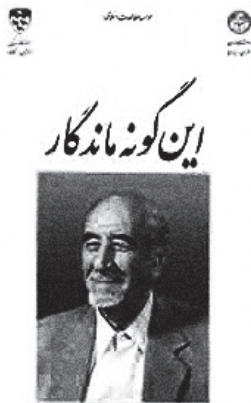


این گونه ماندگار

این گونه ماندگار: یادنامه استاد اسماعیل رفیعیان؛ به اهتمام محمد طاهری خسروشاهی؛ زیر نظر مهدی محقق؛ تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل، ۱۳۹۳، ۱۱۵۰ صفحه.



زیر نظر، مترجم: مهدی محقق
 با اهتمام: محمد طاهری خسروشاهی

استاد رفیعیان در اردیبهشت ۱۳۰۲ در یک خانواده روحانی در شهر مرند چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۱۹ دیپلم

ادبی خود را اخذ و پس از اتمام دوره دانشسرای مقدماتی معلمان در سال ۱۳۲۱ در آموزش و پرورش استخدام شد. در سال ۱۳۲۴ با تشدید مبارزه علیه فرقهٔ دموکرات، شیخ محمدحسن رفیعیان، پدر بزرگوار ایشان ترور می‌شود و با عقیم ماندن طرح ترور ایشان استاد به تهران مهاجرت می‌کند. مبارزات خود را در تهران و سپس خوزستان ادامه می‌دهد و در سال ۱۳۲۶ به مرند باز می‌گردد و ریاست ادارهٔ معارف و اوقاف را عهده‌دار می‌شود و همزمان برای راه‌اندازی دانشکده طب و دانشگاه تبریز تلاش می‌کند. سال ۱۳۲۸ دوره لیسانس زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تبریز آغاز می‌کند. ورود به دورهٔ دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۱، همزمان با رویدادهای سیاسی در کشور شد و استاد حدود دو سال فرار، مهاجرت اجباری، زندان و زندگی مخفیانه را پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۳۳ ادامه تحصیل در دورهٔ دکتری را و تدریس در مدارس تهران و دانشسرای معلمان را از سر گرفت.

همکاری با مؤسسه لغتنامه دهخدا را از سال ۱۳۴۰ شروع کرد و با مراجعت به تبریز در سال ۱۳۴۶ مسئولیت‌های متعددی را عهده‌دار شد؛ از جمله سرپرست دانشکده تربیت دبیر، معاون دانشسرای عالی تبریز، مدیرکل کارگزینی دانشگاه تبریز، ریاست کارگزینی دانشگاه تبریز، بارزس عالی رئیس دانشگاه تبریز (در زمان ریاست دکتر مرتضوی) و ... از سال ۱۳۵۶ مبارزات خود علیه رژیم پهلوی را آشکار کرد و با محکومیت کشتار دانشجویان دانشگاه تبریز از سمت خود استعفاء داد

اشاره

قطب‌الدین شیرازی در آغاز التَّحْفَةُ السَّعَدِيَّة، یعنی شرح کتاب قانون ابن سینا آنجا که از تمدن و بقای نوع انسان سخن می‌راند می‌گوید هر مدینهٔ فاضله‌ای نیازمند به چهار مزیت است: فرمانروای دادگر، پزشک ماهر، آب جاری و بازار رواج. سپس می‌گوید آن شهری که در آن این صفات وجود داشته باشد، مانند تبریز که بهشتی از بهشت‌های روی زمین است: **فِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ وَ تَلدُّ الْأَعْيُنُ**. (ص ۱۳)

استاد بی‌بدیل، دانشمند متخلِّق، مدیر امین، مرحوم مغفور رفیعیان از نام‌آوران نیکنام عصر ما بود. مردی از آذربایجان تمدن‌ساز و از شهر دانش و بینش. از دودهٔ پاکان و عالمان دین. در وصف وی همین بس که چون در دوراهی خدمت به مردم و کسب مدارج و عناوین دانشگاهی قرار می‌گرفت، به سائقهٔ رهایی و گسست از خودبینی، اولی را برمی‌گزید که این انتخاب، علیرغم اینکه به محدودیت‌های علمی و پژوهشی یک شخصیت فاضل دانشگاهی منجر می‌شود، اما خود پیامی فراتر از آنچه در مراکز دانشگاهی مرسوم است دارد، از خودگذشتن و به دریای بی‌کرانهٔ مردم پیوستن ... (ص ۳۳ - ۳۴)

از مهم‌ترین خصلت‌های پسندیده ایشان درایت، مردم‌شناسی، مردم‌داری، فروتنی و احاطه بر ادبیات فارسی و ترکی بود. ایشان منزلت و مرتبه هر کس را با عدالت و احترام حفظ می‌کردند و بیانات این استاد ارزشمند همواره جذاب و قابل استفاده بود. در ادارهٔ امور نکات بسیار ظریف را مدنظر قرار می‌دادند. در این راستا حتی سعی می‌کردند حق کسی به خاطر نجابت و حیامندی مورد اجحاف قرار نگیرد. حق شناس بودند و ذکر خیر از انسان‌ها را وظیفه خود می‌دانستند و با سعهٔ صدر به این سجنه پسندیده، خود همت می‌گماشتند. (ص ۳۹۷)

جمعی از همکاران قدیمی، دوستان و شاگردان ایشان تألیف شده است. خُلقیات، طرز سلوک استاد، تطورات روحی و اخلاقی، سیر کمال اجتماعی و آگاهی مستند از وقایع ایام و دقائق حیات ایشان در این قسمت از کتاب درج شده است. صاحبان برخی از یادداشت‌ها اینک در جوار رحمت حق آرمیده‌اند. اغلب این مطالب، از چند سال پیش در اختیار خانواده استاد فقید بود.

پنجاه و سه یادداشت از طرف بزرگان و صاحبان اندیشه در وصف اخلاق فردی و اجتماعی استاد، نحوه آشنایی با ایشان و خدمات استاد به جامعه نگاشته شده است. از جمله این بزرگان می‌توان به دکتر صادق آئینه‌وند (دانشگاه تربیت مدرس)، حسن احمدی گیوی (مؤسسه لغتنامه دهخدا)، مرتضی اشرفی (مرکز تحقیقات و تاریخ پزشکی)، حسن اکبری (دانشگاه سمنان)، باقرامی (وکیل دادگستری)، صابر امامی (دانشگاه هنر تهران)، حسن انوری (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، محمدابراهیم باستانی پاریزی (دانشگاه تهران)، جلیل تجلیل (دانشگاه تهران)، اکبر ترابگر (آموزش و پرورش)، بهروز ثروتیان (دانشگاه آزاد)، اسماعیل جبارزاده (استاددار آذربایجان شرقی)، علی جلالی دیزجی (دانشگاه علامه طباطبایی)، علی جلیلی (مرکز تربیت معلم ارومیه)، محمدعلی حسین پور (پارک علم و فناوری تبریز)، بهروز خاماچی (شورای اسلامی شهر تبریز)، عباسعلی رضایی (دانشگاه تبریز)، محمدعلی سبحان‌اللهی (دانشگاه خوارزمی)، محمدتقی سبکدل (دایره‌المعارف ایران‌شناسی)، سیدجعفر شهیدی، ناصر علیزاده (دانشگاه شهید مدنی) و ... اشاره کرد. همکاری چنین جمعی در تألیف یادنامه استاد از دانشگاه‌ها و مراکز مختلف کشور نشانگر روحیه و بینش والای اوست.

بخش سوم: پس از رحلت استاد جمعی از سخن‌سرایان و شاعران در سوگ ایشان شعرها و ماده‌تاریخ‌ها سرودند. تعداد این آثار بسیار زیاد بوده، اما در این بخش با توجه به رعایت اختصار تنها هفده شعر از بهاء‌الدین خرمشاهی، عباس فانی، علی نظمی، عزیز دولت‌آبادی، رضا پاشازاده، یدالله امینی و امیرعلی آذرطلعت برگزیده شده است.

بخش چهارم: این بخش «مقالات هدایی» نام دارد. جمعی از محققان و استادان به احترام و ارج والای استاد فقید، تحقیقات ارزشمند خود را در یکی از موضوعات ادبی، تاریخی و حقوقی در این یادنامه منتشر کرده‌اند. در مجموعه چهل مقاله در این بخش منتشر شده که در ادامه تنها به معرفی چند مقاله اکتفا می‌کنیم.

نخستین مقاله نوشته دکتر ژاله آموزگار با عنوان «اشاره به نیروهای فراسویی در استوانه کوروش و سنگ‌نوشته‌های هخامنشی» است که به تفصیل راجع به کوروش و سایر فرمانروایان هخامنشی و سنگ‌نوشته‌های به‌جامانده از آن دوران افسانه‌ای صحبت شده است.

و تلگرافی اعتراض‌آمیز به ازهاری ارسال کرد و در تحصن دانشگاهیان تبریز مشارکت جدی داشت. سال ۱۳۵۸ در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی نماینده ملت شد. پس از آن به شغل معلمی بازگشت و از سمت‌های اجرایی وی می‌توان به معاونت پژوهشی و قائم‌مقامی دانشگاه آزاد اسلامی، دبیر شورای منطقه دو دانشگاه آزاد اسلامی، عضویت در هیئت امنای کتابخانه تبریز اشاره کرد. استاد رفیعیان پس از عمری خدمت و تلاش برای سازندگی در ۱۱ تیر ماه ۱۳۸۷ در باغ رضوان شهر مرند آرمید.

تألیفات و آثار استاد را می‌توان در چهار بخش کلی تقسیم‌بندی کرد.

بخش اول: ادبیات شامل ادبیات چیست؟؛ پروین اعتصامی را با آرمان‌ها و آرزوهایش بشناسیم؛ تعهد در ادبیات و معرفی شاعران و نویسندگان متعهد؛ مقاله «فردا گوید تری از اینجا برکن»؛ مقاله «مفاهیم عالی مذهبی، عرفانی و انسانی در قلمرو ادبیات فارسی» و مقاله «یونس اندر دهان ماهی شد».

بخش دوم: سیاست و اجتماع شامل انتظارات مردم از دکتر مصدق؛ امپراطوران دهات؛ حماسه مقاومت مردم مرند در دوران اشغال ایران توسط بیگانگان؛ در پیرامون قطع رابطه و شروع اصلاحات داخلی؛ درمان و درد؛ روزنامه قیام ماد؛ یادی از مبارزات مردم آذربایجان در نهضت ملی شدن صنعت نفت؛ پیشنهاد عملی برای بازسازی خانه سردار ملی؛ جایگاه مدیریت اسلامی در نظام اداری؛ آموزش و فرهنگ.

بخش سوم: یادنامه‌ها و زندگی‌نامه‌ها شامل استاد علامه محمدتقی جعفری؛ استاد عابد؛ حسین خان باغبان؛ دکتر منوچهر مرتضوی؛ سیداسماعیل پیمان؛ علی ابوالفتحی؛ عبدالله واعظ.

بخش چهارم: مقدمه بر آثار نویسندگان شامل تاریخ ادبیات عرب نوشته استاد ترجمانی‌زاده؛ آناتومی نوشته لادن جدیدی و دیگران؛ اصول بیماری‌های توراکس نوشته فلکسون ترجمه چکشیان. (ص ۱۴۰ - ۱۴۱)

معرفی اثر

این یادنامه مشتمل بر پنج بخش است.

بخش اول: این بخش از یادنامه شامل پیشگفتار مهدی محقق، ریاست محترم انجمن ترویج زبان و ادب فارسی و مقدمه محمدرضا پورمحمدی، ریاست محترم دانشگاه تبریز است. در ادامه یادداشتی درباره یادنامه از محمد طاهری خسروشاهی نگاشته شده و سرانجام روزشمار زندگی و آثار استاد - به استناد پرونده پرسنلی، گفتگو با خانواده و مصاحبه با تنی چند از یاران نزدیک و شاگردان قدیمی - تدوین و درج شده است.

بخش دوم: این بخش از کتاب «درباره استاد» نام گرفته و به قلم

نویسنده، روزنامه‌نگار، انقلابی، سیاستمدار، استاد دانشگاه، دولت‌مرد، مدیر، فعال امور خیریه و مؤسس دردمندان و محرومان بودن و ... اینها تنها مشت‌های از خروارها فعالیت اجتماعی، علمی و فرهنگی اوست. او همچون استادان خود ملک‌الشعراى بهار و علی‌اکبر دهخدا از هر دری وارد شده است تا وضع بشر را بهبود بخشد و از آلام او بکاهد. آن‌گاه که شرایط ایجاب می‌کرد که در نقش یک فعال سیاسی و مبارز انقلابی ظاهر می‌شد. در موقع مقتضی به امور علمی می‌پرداخت و آن‌گاه که جامعه به تجربیات مدیریتی او نیاز پیدا می‌کرد، بدون تکلفات معمول شخصیت‌های دانشگاهی آستین همت بالا می‌زد و به جرگه مدیران می‌پیوست و در تمامی این مراحل از یک چیز غافل نبود و آن عبارتست از خدمت به خلق. (ص ۴۸)

خلاصه کلام آنکه رفیعیان ادبیات را زیسته و با پلکان علم به برج عمل رسیده بود. او ادبیات و هنر را وسیله‌ای برای رسیدن به قلّه رفیع انسانیت می‌دانست و با تمسک به این وسیله و ابزار ارزشمند معنوی، هوشمندانه در بلندای این قلّه قرار گرفت و آن را فتح کرد. (ص ۵۳)

و شیخ ما - رحمه الله علیه - گفت: «حکایت نویسی مباح، چنان باش که از تو حکایت کنند»^۱.

«آفرین بر بانوان» تألیف خانم دکتر نوش‌آفرین انصاری است که ایشان از تجربیات خود و دیگر بانوانی که با عشق در شورای کتاب کودک مشغول به کار هستند و فعالیت‌های متعدد و مؤثر شورا صحبت می‌کند.

در مقاله بعدی دکتر حسن انوری «نگاهی به گلستان سعدی» دارد و این اثر ارزشمند ادبی ایران زمین را بررسی می‌کند.

موازنه بین هنر سعدی و حافظ و مقایسه بین فکر و شعر و شخصیت و جهان بینی این دو شاعر بزرگ، از دلکش‌ترین پژوهش‌های هنری - ادبی است که سخن‌سنجان و ادب‌شناسان قدیم و جدید کمتر به آن پرداخته‌اند. بدین جهت در این یادنامه سترگ، بهاء‌الدین خرمشاهی «حق سعدی به گردن حافظ» را بررسی می‌کند.

دکتر علی اشرف صادقی نیز گزارشی از «نسخه تازه‌ای از ورزنامه» ارائه داده و عباس ماهیار مفهوم طالع را در شعر فارسی بررسی کرده است. رحمان مشتاق مهر نیز لغزشگاه‌های ویراستاری را که در چاپ مجدد آثار ادبی روی می‌دهد مطالعه کرده است.

محمد جعفر یاحقی «با بسیار عجایب و نوادر»، سرگذشت عجیب امیر سبکتگین را مطرح و با مقایسه تطبیقی آن با داستانی از ابن بطوطه، قصه‌ای از اسرار التوحید و داستان ایاز در مصیبت‌نامه عطار و مثنوی، در نهایت از عجایب و نوادر و پیام‌های اخلاقی این داستان‌ها سخن می‌گوید.

در نهایت نیز تصاویر و اسناد روایتگر گوشه‌ای از زندگی پربار استاد رفیعیان شده‌اند.

سخن پایانی

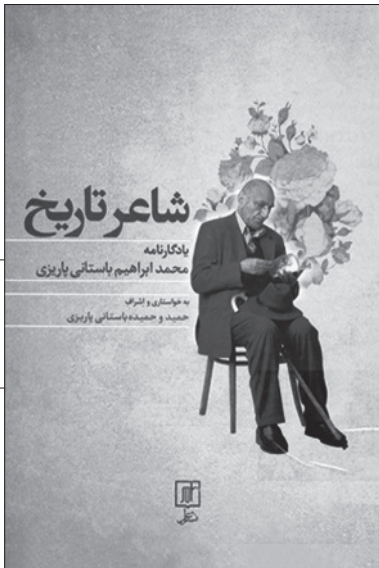
هر اقلیتس یکی از نخستین فیلسوفان یونان گفته است که «کوتاه‌ترین راه‌ها به سوی نیکنامی، نیکشدن است». شگفتا که بسیاری از آدمیان برای جاودانگی و ماندگاری و خوش‌نامی راه دوری انتخاب می‌کنند. عجیب‌تر آنکه نیک‌نامان تاریخ همان‌ها هستند که طریق سهل، اما ممتنعی برای نامیرایی انتخاب کرده‌اند و آن خوب بودن، خوب زیستن و در نهایت خوب مردن است. (ص ۴۷)

یکی از این انسان‌های نام‌آور، سرشناس و تاریخ‌ساز که در واقع هشتادوپنج سال عمر پربار و برکت خود را برای ترویج و تعمیم زبان، فرهنگ و تمدن جهان، ایران زمین محبوب و اسلامی ما وقف و صرف نمود و علیرغم مواجهه با رویدادهای بسیار مخاطره‌انگیز و مرگبار و طوفان‌های مهیب و تندبادهای خطیر، با نیرویی شکست‌ناپذیر و اهتمام و اراده‌ای راسخ و آهنین توانست تمام موانع و تنگناها را یکی پس از دیگری از پیش رو بردارد و برای پیشبرد هدف و مقصد نهایی میهن پرستانه خود، راه را هموار و لحظه‌ای از سرعت پیشرفت و ترقی و رسیدن به سر منزل مقصود غافل نباشد، شادروان استاد فرزانه دکتر اسماعیل رفیعیان بود. (ص ۱۳۳)

۱. ابوسعید ابوالخیر؛ اسرار التوحید؛ ج ۱، ص ۱۸۷.

شاعر تاریخ

شاعر تاریخ: یادگارنامه محمدابراهیم باستانی پاریزی؛ به خواستاری و اشراف حمیده باستانی پاریزی؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۴، ۶۴۰ صفحه.



استفاده از فرصت مطالعاتی داشت. تا سال ۱۳۸۷ استاد تمام وقت دانشگاه تهران بود و رابطه تنگاتنگی با این دانشگاه داشت و ۵ فروردین ۱۳۹۳ در اثر بیماری کبد از دنیا رفت.

به لحاظ اخلاقی باستانی پاریزی در عداد دانشمندان خودساخته قرار می‌گیرد. دلایل زیادی این موضوع را تأیید می‌کند. عدم چرخش و گردش‌های صنفی و مسلکی و هویتی و سیاسی، از خطوط برجسته و پررنگ زندگی اوست. به یقین می‌شد از او درس آزادی و آزادی و انسانیت و شرف آموخت. در هر جا بود درست بود و بدون ریب و ریا، بیچیدگی نداشت. همان بود که بود. با اینکه در یکی از شگفت‌انگیزترین فصول سیاسی ایران زیست و در پرنحناترین بخش تحولات سیاسی زمانه به تهران آمده بود و با کسانی آشنایی یافته بود که می‌توانست از سرسره آنها بالا برود، مطلقاً به این لحاظ‌ها در خود تغییر و ترتیب ایجاد نکرد. (ص ۵۶۶)

کسی نمی‌داند در ذهن باستانی ایران اصل است یا کرمان؟ پاریز فرع است یا کرمان؟ اگر کسی به اوضاع جهان واقف نباشد و فقط نوشته‌های باستانی پاریزی را بخواند، خیال می‌کند که کرمان دل ایران است و پاریز دل کرمان.

برخلاف بیشتر کتاب‌های تاریخی که نثری سرد و سنگین دارند، بیشتر نوشته‌های تاریخی باستانی پاریزی پراز داستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها و حکایات و اشعاری است که خواندن متن را برای خواننده آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌کند. به علاوه کتاب‌های باستانی پاریزی معمولاً پاورقی‌های بسیار مفصلی دارند که گاهی از خود متن هم مفصل‌تر است. دکتر باستانی آثار متعددی در حوزه فرهنگ و ادب این سرزمین،

اشاره

به یاد استاد فرزانه تاریخ، ادبیات و فرهنگ معاصر ایران، هم او که از ستارگان پرفروغ علم و ادب نه فقط کرمان بلکه ایران و جهان بود. نویسنده، مؤرخ، شاعر گرانقدر و فرهیخته اندیشمند استاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی که عمری به اندازه هفت دهه، تاریخ را از برج عاج و از گوشه انزوایش بیرون کشانید و در دسترس مردمی قرار داد که دوستشان داشت.

استادی که از نام و نشان وجودی خویش بالا رفت بدون اتکاء و استناد به دیگری. آزاده‌ای با کمال که خودش بود و خودش ماند. باستانی پاریزی بین مورخان تاریخ معاصر ایران جایگاه اسطوره‌ای یافت و به جرأت می‌توان گفت از پرکارترین مورخان ایران است. استاد، تاریخ ایران را از دانشگاه‌ها، انجمن‌های علمی و ادبی و از قفسه‌های کتابخانه‌ها به میان مردم آورد و همدم مردم کرد.

استاد باستانی پاریزی در سوم دی ماه ۱۳۰۴ش در پاریز از توابع شهرستان سیرجان در استان کرمان متولد شد. وی تا پایان تحصیلات ششم ابتدایی در پاریز تحصیل کرد و در عین حال از محضر پدر خود مرحوم حاج آخوند پاریزی هم بهره می‌برد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و دو سال ترک تحصیل اجباری، در سال ۱۳۲۰ تحصیلات خود را در دانشسرای مقدماتی کرمان ادامه داد و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در سال ۱۳۲۶ در دانشگاه تهران در رشته تاریخ تحصیلات خود را پی گرفت. در سال ۱۳۳۰ از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و برای انجام تعهد دبیری به کرمان بازگشت و تا سال ۱۳۳۷ که در آزمون دکتری تاریخ پذیرفته شد، در کرمان ماند. او دوره دکترای تاریخ را هم در دانشگاه تهران گذراند و با ارائه پایان‌نامه‌ای درباره «ابن اثیر»، دانشنامه دکترای خود را دریافت کرد. وی کار خود را در دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۸ با مدیریت مجله داخلی دانشکده ادبیات شروع کرد و در سال ۱۳۴۹ سفری به فرانسه برای

ابتدا پیشگفتاری از فرزندان ایشان و روزشمار زندگی استاد درج شده است. سپس بخش «مقالات اهدایی» است که در ادامه به صورت مختصر معرفی از مقالات ارائه می‌شود.

«دارالعجزه‌های شیراز» اثر منصوره اتحادیه درباره تاریخ اجتماعی ایران در دوران قاجار است که شامل بررسی مکاتبات خصوصی عبدالحسین میرزا فرمانفرما است، به ویژه مجموعه اسنادی درباره مخارج دارالعجزه‌های شیراز در سال ۱۳۳۶ق در بحبوحه جنگ جهانی اول که فرمانفرما حاکم فارس بود که روایتگر قطعی و تدابیر حکومت در این دوره است. «کتابشناسی استاد محمدابراهیم باستانی پاریزی» توسط حمیده اسدی و راحله آزادی نگاشته شده است. «شرح حال شیخ احمد ادیب کرمانی» نیز توسط محمدحسین اسلام‌پناه تألیف شده است. «احتمالی در معنی مثل شاهنامه آخرش خوش است» را دکتر محمود امیدسالار بررسی کرده است.

محمد برکت در مقاله‌ای با عنوان «دوستداران وطن» به شرح حال و آثار صوفی صاحب می‌پردازد. صوفی صاحب فردی هندی بوده که به دلیل فعالیت سیاسی علیه انگلیس از هند خارج و ساکن شیراز می‌شود که در این مقاله گزارشاتی از علی اصغر حکمت، رئیس‌الاطباء، مرحوم آدمیت و شیخ عبدالرسول نیر شیرازی درباره اثر صوفی صاحب با عنوان «دوستداران وطن» نگاشته شده است.

ناصرالدین پروین «در جستجوی پیوندهایی با کرمان» شرحی درباره سه نیای خویش که یکی حاکم، دیگری نایب‌الحکومه ایالت کرمان و سومی سناتور انتصابی آن استان بوده است می‌دهد. ترجمه و شرح متن تمثیلی «داروی خرسندی» از زبان پهلوی توسط محمود جعفری دهقی ارائه شده است. محمدرضا خالصی نیز «حماسه مویه‌ای مانا» را که کرمانیان و شیرازیان در سوگ لطفعلی خان زند ساخته و پرداخته‌اند را به بررسی و پردازش نشسته است. محمود دقاقی نیز روند ساخت کتابخانه دانشگاه کرمان و اهدای نسخه‌های خطی و چاپ سنگی به این کتابخانه را بررسی کرده است. هاشم رجب‌زاده در مقاله‌اش «کرمان و کویر در سفرنامه‌های ژاپنی» را برای خواننده خود ترسیم کرده است.

«بازتاب هویت اجتماعی و فرهنگی زنان بختیاری در سفرنامه‌های خارجیان دوره قاجار» به قلم حسن زندیه و مرضیه خورج بررسی شده است. توفیق سبحانی در مقاله «مردی که جایش همیشه خالی خواهد ماند» به بررسی مقاله استاد باستانی با عنوان شخصیت‌های تاریخی در مثنوی معنوی پرداخته؛ زمینه‌هایی که کمتر به آن پرداخته شده است. «سیر موسیقی پژوهی در آثار دکتر باستانی پاریزی» عنوان مقاله‌ای است که مهدی ستایشگر نگاشته است. «تاریخ‌نگاری محلی در ایران» با نگاهی ویژه به کتاب صحیفه‌الارشاد در تاریخ محلی کرمان

از جمله کرمان به یادگار گذاشته است. فهرست کتاب‌های استاد باستانی (به ترتیب تاریخ انتشار در هر بخش) را می‌توان در سه بخش کلی دسته‌بندی کرد که عناوین آثار وی به این شرح است:

الف) آثار مربوط به کرمان: پیغمبر دزدان، نشریه فرهنگ کرمان، راهنمای آثار تاریخی کرمان، دوره مجله هفتواد، تاریخ کرمان (تصحیح و تحشیه تاریخ وزیری)، منابع و مآخذ تاریخ کرمان، سلجوقیان و غزدر کرمان، فرماندهان کرمان، جغرافیای کرمان (تصحیح و تحشیه جغرافی وزیری)، گنجعلی‌خان، وادی هفت واد، تاریخ شاهی قراختائیان، تذکره صفویه کرمان و صحیفه الارشاد.

ب) مجموعه هفتی (سبعه ثمانیه): خاتون هفت قلعه، آسیای هفت سنگ، نای هفت بند، ازدهای هفت سر، کوچه هفت پیچ، زیر این هفت آسمان، سنگ هفت قلم و هشت الهفت.

ج) سایر کتب: یادبود من (مجموعه شعر)، ذوالقرنین یا کوروش کبیر (ترجمه)، یاد و یادبود (مجموعه شعر)، محیط سیاسی و زندگی مشیرالدوله، اصول حکومت آتن، تلاش آزادی (برنده جایزه یونسکو)، یعقوب لیث، شاه منصور، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، اخبار ایران از ابن اثیر (ترجمه کامل)، از پاریز تا پاریس، شاهنامه آخرش خوش است، حماسه کویر، تن آدمی شریف است، جامع المقدمات، فرمانفرمای عالم، از سیر تا پیاز، مار در بتکده کهنه، کلاه گوشه نوشین روان، حضورستان، هزارستان، ماه و خورشید فلک، سایه‌های کنگره، بازیگران کاخ سبز، پیرسبزپوشان، آفتابه زرین فرشتگان، نوح هزار طوفان، در شهرنی سواران، شمعی در طوفان، خودمشت مالی، محبوب سیاه و طوطی سبز، درخت جواهر، گذار زن از گذار تاریخ، کاسه کوزه تمدن، پوست پلنگ، حصیرستان، بارگاه خانقاه، هواخوری در باغ با گوهر شب چراغ و گرگ پالان دیده.

معرفی اثر

عنوان این کتاب برگرفته از تعریف دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی از استاد باستانی پاریزی است که لقب «شاعر تاریخ» و «صیاد لحظه‌ها» را به وی داده است.

این اثر به خواستاری و اشراف دو فرزند استاد - حمید و حمیده باستانی پاریزی - توسط نشر علم در اولین سالگرد فوت استاد پاریزی منتشر شده است. به دلیل جاماندن برخی از مقالات ارسالی از جمع مقالات چاپ شده و محدودیت برای انتشار یک کتاب، به شرط دریافت مقالات دیگر جلد دوم کتاب نیز منتشر خواهد شد.

کتاب شاعر تاریخ در دو بخش «یادنامه» و «مقالات اهدایی» استادان و نویسندگان تدوین شده است. این اثر پنجاه مقاله را در خود جای داده که ۲۶ مقاله تحقیقی (۲۳ مقاله به زبان فارسی و سه مقاله به زبان انگلیسی) و سایر مقالات مربوط به بخش یادنامه استاد هستند.

مزارات

مزارات: فرزندان بلافصل ائمه در عراق؛ فقیه بحرالعلوم، محمد مهدی؛ قم: مجمع ذخائر اسلامی با همکاری موسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث؛ ۱۳۹۳، ۲۶۴ صفحه.

مقدمه

زیارت یکی از مناسک مذهبی رایج میان مسلمانان است و به شیعیان اختصاص ندارد، اما معتقدان به این مذهب، به پیروی از ائمه اطهار (ع) به آن بسیار اهمیت می‌دهند و همواره شیعیان را به زیارت رفتن تشویق کرده‌اند. برای نمونه شیخ عبدالله مامقانی (رحمه‌الله) (متوفای ۱۳۵۱ق) نوشته است: «زیارت از عبادات مطلوبه در شریعت مطهر و سنن مؤکده است»^۱. زیارت منحصر به زیارت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نیست و نه تنها زیارت فرزندان و اصحاب ائمه (ع) در بین شیعیان رواج دارد، بلکه زیارت هر مؤمن صالح مستحب است.

در عرف تشیع مراد از امامزاده، فرزندان یا فرزندزادگان ائمه اطهار (ع) است و اصطلاحاً از باب ذکر حال و اراده محل، به مدفن و مزار متبرکه آنان و بزرگان سادات نیز اطلاق می‌گردد.^۲

بسیاری از امامزادگان با مرگ طبیعی از دار دنیا نرفتند، بلکه به دست اشقیای زمانه به درجه رفیع شهادت رسیدند و احترام ما به ساحت مقدس ائمه معصومین و همچنین امامزادگان علاوه بر شرف انتساب به پیامبر گرامی اسلام، به دلیل سرمایه‌های عظیم فکری و تربیتی است که در وجود این بزرگواران است. بسیاری از امامزادگان، عالمانی بزرگ، مفسران قرآن، عارفان عظیم الشان و عابدان و زاهدانی بودند که مورد علاقه مردم بودند و پایگاه عظیم مردمی داشتند. امامزادگان کانون‌های عظیم معنوی و فرهنگی هستند و همان نقشی را که در زمان حیات ایفا می‌کردند، بعد از زمان حیات نیز مشعل دار هدایت

۱. طاوسی مسرور، سعید؛ «زیارتگاه‌ها محلی برای گرد آمدن»؛ زمانه، ۱۳۹۲، شماره ۳۱ - ۳۲، ص ۷۸ - ۷۹.

۲. ناری ایبانه، علی اکبر؛ «وجه تسمیه نام و شهرت امامزادگان با نگاهی به منابع تاریخی و جغرافیایی بقای متبرکه استان تهران»؛ وقف، میراث جاویدان، ۱۳۸۴، شماره ۵۲، ص ۱۳۳ - ۱۵۸.

خلق هستند. این بزرگواران مورد علاقه و دارای اصالت و ارزش هستند. آستان امامزادگان یکی از مهم‌ترین نهادهای معنوی و فرهنگی در کشورهای اسلامی است.^۳

در جای جای کشورهای اسلامی، مقابر و زیارتگاه‌هایی به چشم می‌خورد، اما نکته بسیار مهم در این رابطه توجه و مطالعه ویژه نسب آنان است. برای شناخت این زیارتگاه‌ها نیاز به تهیه کتب و آثاری از جانب افرادی است که با علم نسب‌شناسی آشنایی دارند.

علم نسب (تبارشناسی) یکی از علوم و فنونی است که به گروه و ملتی خاص و یا به مکان و زمان معینی اختصاص ندارد، بلکه زاینده نیاز همه انسان‌ها در تمامی ادوار تاریخ است که برای پشتیبانی و مقابله با تنازع بقا و وابستگی کامل به قوم، قبیله، عشیره و فامیل به وجود آمده است. واژه نسب در لغت، مفرد انساب و به معنای نزدیکان است. برخی مفهوم نسب را در انتساب به پدران، شهرها، حرفه‌ها و صنایع دانسته‌اند و برخی مفهوم نسب را فقط در انتساب به پدران می‌دانند.

اعراب در زمان جاهلیت به انساب خویش اهمیت بسیاری می‌دانند و در حفظ، حراست و نگهداری نسب خویش می‌کوشیدند؛ زیرا بدین وسیله از پراکندگی نسب خود جلوگیری می‌کردند و تمام افراد قبیله و عشیره را گرد هم می‌آوردند و پشتیبان همدیگر بودند. در اسلام نسب‌شناسی برای شناخت و آشنایی قبایل با یکدیگر است، نه افتخار

۳. نظام‌زاده، محمدعلی؛ «جایگاه امامزادگان در ایران و لزوم احیای مسأله نقابت»؛ وقف، میراث جاویدان، ۱۳۸۴، شماره ۵۲، ص ۶ - ۱۲.

مزارات
فرزندان بلافصل ائمه در عراق
محمد مهدی فقیه بحرالعلوم



که در جاهلیت مرسوم و رایج بوده است.

از همان آغاز مسلمانان و دانشمندان اسلامی به این رشته به صورت یک علم می‌نگریسته‌اند و برای آن قوانین و مقرراتی وضع و تدوین کرده‌اند، اما برخی آن را شاخه‌ای از علم تاریخ دانسته‌اند و برای آن اهمیت خاص تاریخی قائل شده‌اند، ولی غیر از اهمیتی که این علم در تاریخ دارد، در علم حدیث نیز بسیار مهم است.^۴

علم انساب از تعیین نسب مردم و روش‌های تحقیق آن سخن می‌گوید و هدف آن، پیشگیری از خطا در تعیین نسب اشخاص است. نسب‌شناسی بیشترین رابطه را با زندگی نامه‌نویسی دارد که در فرهنگ اسلامی به تراجم یا شرح حال موسوم است. شاید بتوان نسب‌شناسی را از شاخه‌های زیر مجموعه تراجم دانست.^۵

در این مجال قصد معرفی کتابی را داریم که مزارات فرزندان بلافضل ائمه در عراق را شناسایی کرده و در این راستا به نسب‌شناسی آن بزرگواران و صحت اخبار در مورد آنان توجه خاصی مبذول داشته است.

معرفی کتاب

محمد مهدی فقیه بحر العلوم، متولد ۱۳۵۱ در آستانه اشرفیه است. وی تحصیل خود در علوم حوزوی را در سال ۱۳۶۸ از حوزه علمیه آستانه اشرفیه شروع و در حوزه‌های علمیه رشت و مشهد ادامه داد. از سال ۱۳۷۳ رسماً تحقیقات خود در زمینه بقاع متبرکه را آغاز نمود. «تاریخ قم و زندگانی امامزادگان داخل شهر» که از سوی مسجد مقدس جمکران به چاپ رسید و مورد استقبال علماء و فقهاء قرار گرفت، اولین اثر وی در این زمینه بود. تخصص ایشان در علم رجال و انساب و تاریخ امامزادگان و شرح حال آنان است. وی در سال ۱۳۸۶ موفق به دریافت مدرک دکترا در رشته رجال و انساب از شورای عالی مدیریت حوزه شد. فقیه بحر العلومی مسئول و مؤسس دایرة‌المعارف بقاع متبرکه، دبیر اجرایی دانشنامه حج و مدیر گروه تاریخ پژوهشکده حج و زیارت است. آثار دیگر مؤلف در این موضوع عبارت است از: امامزادگان ری، تذکره بی بی شهربانو، تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری، مزارات کرمان، هزار مزار ایران، مزارات تهران، مزارات قزوین، مزارات کردستان، مزارات شمیرانات، مزارات طبرستان، مزارات استان البرز، مزارت ورامین، مزارات فاروج و ... است.^۶

مجمع ذخائر اسلامی،^۷ با تجربه ۳۸ ساله در تحقیق و نشر کتاب ناشر

۴. مرعشی نجفی، سید محمود؛ «علم نسب‌شناسی»؛ وقف، میراث جاویدان، ۱۳۸۴، شماره ۵۲، ص ۲۷-۴۶.

۵. نجفی، محمد جواد؛ «نسب‌شناسی در دوره اسلامی»؛ تاریخ اسلام، ۱۳۸۲، شماره ۱۳، ص ۴۴-۵.

۶. فقیه بحر العلوم، محمد مهدی؛ «فعالیت‌های علمی و پژوهشی حجه الاسلام دکتر محمد مهدی فقیه محمدی جلالی بحر العلوم»؛ برگرفته از سایت مزارات ایران و جهان اسلام:

<http://shrines.blog.ir>

7. www.mzi.ir.

این اثر است.

نخستین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق،^۸ بهانه انتشار این اثر بوده است.

سرزمین عراق خاستگاه تمدن‌های کهن بین‌النهرین از تمدن‌های مهم باستانی بشر از اهمیت ویژه‌ای در تاریخ برخوردار بوده است. این سرزمین پس از اسلام مدتی در زمان خلافت امام علی (ع) و پس از ایشان در دوره خلفای عباسی، سال‌ها به مرکز خلافت پهن‌اور اسلامی تبدیل شد و این مسئله عاملی برای شکل‌گیری تعدادی از مراکز مهم علمی و فرهنگی جهان اسلام نظیر کوفه، بصره، واسط و بغداد در این سرزمین گردید. بی‌تردید انتخاب کوفه به عنوان مرکز خلافت از سوی امیر مومنان (ع) و حضور امامان شیعه (ع) و به خاک سپردن ایشان در این سرزمین و نیز قیام‌های شیعیان و سادات علوی، عوامل تأثیرگذاری در تبدیل شدن عراق به یکی از مراکز مهم تشیع بوده است. بدین ترتیب وجود مساجد متبرکه و عتبات عالیات شیعه و مقام‌های ائمه (ع) و قبور و زیارتگاه‌های بسیاری از سادات و امامزادگان و نیز علمای بزرگ شیعه و حتی ائمه مذاهب اهل سنت، نظیر ابوحنفیه و صوفیان بزرگ جهان اسلام، نظیر عبدالقادر گیلانی در خاک عراق آن را به یکی از مقاصد مهم گردشگری دینی مسلمانان از سرتاسر جهان اسلام تبدیل کرده است و همین مسئله لزوم پژوهش در این موضوع را تبیین می‌کند.

با وجود حجم نسبتاً بالای آثاری که تا کنون درباره تاریخچه عتبات عالیات و زیارتگاه‌های عراق یا مزارات برخی شهرهای آن به نگارش درآمده است، هنوز اثر پژوهشی یا تألیفی که دربرگیرنده بیشترین تعداد از زیارتگاه‌های موجود در خاک عراق باشد منتشر نشده است. هدف از نگارش کتاب حاضر برطرف کردن این کمبود و پاسخگویی به نیاز موجود در این زمینه بوده است.

در این پژوهش تلاش شده است تا همه زیارتگاه‌هایی که به فرزندان بلافضل ائمه (ع) در کشور عراق تعلق دارد و در منابع در دسترس به آنها اشاره شده است بررسی شود. در بررسی هر زیارتگاه، آدرس، شرح حال صاحب زیارتگاه، بررسی اعتبار و سند زیارتگاه، تاریخچه و توصیف معماری آن بیان شده است. گفتنی است که گروه‌های تکفیری و تروریستی برخی زیارتگاه‌های معرفی شده در این کتاب را تخریب کرده‌اند.

در این کتاب ۵۸ امامزاده که از فرزندان بلافضل ائمه هستند و مدفن آنان در خاک کشور عراق هست معرفی شده‌اند. مطالب تا حد امکان به صورت مختصر و مفید بیان شده و کتاب دارای متنی روان است و در چپ‌نشین متن از نظم الفبایی نام امامزادگان استفاده شده است. کتاب

8. <http://www.iraniraqheritage.com>.

- از محتوای روزآمدی برخوردار است و نویسنده برای نگارش آن از ۲۴۵ کتاب عربی و ۵۳ کتاب فارسی، علاوه بر دانش و اطلاعات خود بهره گرفته و ۳۹ تصویر از قبور امامزادگان در انتهای کتاب درج شده است.
- در این اثر نسب امامزادگان بررسی شده و نویسنده با ذکر ادله کافی در این موارد بحث می‌کند. مطالعه این کتاب برای علاقمندان به علم نسب شناسی و افرادی که قصد سفر به عراق و آشنایی با زیارتگاه‌های آن کشور را دارند توصیه می‌شود.
- نام تعدادی از امامزادگان که در این کتاب ذکر احوال‌شان رفته و با مزارات آنان آشنا می‌شویم عبارت است از:
۱. آمنه، رقیه و زهرا دختران امام حسن (ع) / نجف
 ۲. ابراهیم فرزند امام حسن (ع) / سماوه
 ۳. ابراهیم فرزند امام جعفر صادق (ع) / موصل
 ۴. ابراهیم فرزند امام موسی کاظم (ع) / حله
 ۵. احمد فرزند امام موسی کاظم (ع) / دیالی - سماوه - طوزخورماتو - کربلا
 ۶. اخرس فرزند امام موسی کاظم (ع) / دیالی
 ۷. اسحاق فرزند امام موسی کاظم (ع) / عوجه
 ۸. اسماعیل فرزند امام موسی کاظم (ع) / کربلا - بغداد
 ۹. ام‌کلثوم دختر امام علی (ع) / موصل
 ۱۰. بکر بن علی (ع) / حله
 ۱۱. جعفر کذاب فرزند امام هادی (ع) / سامرا
 ۱۲. حامد و محمود فرزندان امام حسن مجتبی (ع) / موصل
 ۱۳. حسین فرزند امام هادی (ع) / سامرا
 ۱۴. حکیمه دختر امام جواد (ع) / سامرا
 ۱۵. حمزه فرزند امام علی (ع) / موصل
 ۱۶. خدیجه دختر امام علی (ع) / کوفه
 ۱۷. رقیه و ام‌کلثوم دختران امام حسن (ع) / موصل
 ۱۸. زید فرزند امام زین العابدین (ع) / حله - موصل
 ۱۹. زید فرزند امام موسی کاظم (ع)
۲۰. سلطان علی / بغداد
 ۲۱. شریفه دختر امام حسن (ع) / حله
 ۲۲. طاهر فرزند امام زین العابدین (ع) / بغداد
 ۲۳. عباس ابوبکر فرزند امام موسی کاظم (ع) / شطره
 ۲۴. عبدالله باهر فرزند امام سجاد (ع) / موصل
 ۲۵. عبدالله فرزند امام موسی کاظم (ع) / غماس - کربلا
 ۲۶. عبدالله فرزند امام هادی (ع) / بعقوبه
 ۲۷. عبیدالله فرزند امام علی (ع) / عزیر
 ۲۸. علی فرزند امام هادی (ع) / موصل
 ۲۹. عمر اشرف فرزند امام زین العابدین (ع) / ناصریه
 ۳۰. عمران بن علی (ع) / حله - نجف
 ۳۱. عون و عبدالله فرزندان امام هادی (ع) / دیالی
 ۳۲. فاطمه دختر امام حسین (ع) / موصل
 ۳۳. فرزندان امام موسی کاظم (ع) / کاظمین
 ۳۴. قاسم فرزند امام حسن (ع) / مسیب
 ۳۵. قاسم فرزند امام موسی کاظم (ع) / حله
 ۳۶. محسن پسر امام حسین (ع) / موصل
 ۳۷. محمد اصغر فرزند امام زین العابدین (ع) / کوفه
 ۳۸. محمد اصغر فرزند امام موسی کاظم (ع) / دیالی
 ۳۹. محمد حنفیه فرزند امام علی (ع)
 ۴۰. محمد عابد فرزند امام موسی کاظم (ع) / سامرا
 ۴۱. محمد فرزند امام موسی کاظم (ع) / دیالی
 ۴۲. محمد فرزند امام هادی (ع) / سامرا
 ۴۳. معد فرزند امام هادی (ع) / واسط
 ۴۴. هادی فرزند امام موسی کاظم (ع) / کرکوک
 ۴۵. هارون فرزند امام موسی کاظم (ع) / حله
 ۴۶. هدیه دختر امام حسن عسکری (ع) / محاوایل
 ۴۷. یحیی فرزند امام علی (ع) / حله

نام‌های مستعار نویسندگان و شاعران معاصر ایران

نام‌های مستعار نویسندگان و شاعران معاصر ایران؛ مافی، عباس؛ ویرایش ۲. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، ۱۳۹۳، ۴۶۰ صفحه.

اشاره

نام مستعار نامی است که برخی افراد به جای نام اصلی و رسمی خود به کار می‌برند. بعضی از نویسندگان تمام یا بخشی از آثار خود را با نام مستعار منتشر می‌کنند. نام مستعار را بسته به شغل صاحب آن گاه نام قلمی (برای نویسندگان) یا نام هنری (برای هنرمندان و بازیگران) یا تخلص (برای شاعران) نیز می‌گویند.^۱

گذشتگان ما و به طور کلی در تمدن‌های شرقی، به نام و عنوان آثار بیش از خالق و صاحب اثر ارجح می‌گذاشتند. از این رو وقتی به تدوین و تألیف کتابشناسی می‌پرداختند، آن را بیشتر بر حسب عنوان کتاب‌ها مرتب می‌کردند. بنا بر برخی اقوال، مبنای قرارگرفتن مؤلف در مدخل اصلی فهرست‌ها و کتابشناسی‌ها، برگرفته از تمدن یونانی است،^۲ اما به هر حال امروز خالق اثر را بر خود اثر مقدم می‌دارند و کتابشناسی‌ها و فهرست‌ها را اغلب بر حسب نام مؤلفان تنظیم می‌کنند. بدین لحاظ مستندسازی یکی از اجزای فهرست‌نویسی است و تدوین فهرستی مستند از نام مؤلفان و مصنفان در سال‌های اخیر در دستور کار کتابداران و فهرست‌نویسان بوده است. به دنبال چنین اندیشه‌ای، «فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان»^۳ با همت کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و تعدادی از کتابداران تهیه و منتشر گردید.

ضروری است برای ذخیره و ضبط نام صاحبان آثار در پایگاه‌های مختلف، برای هر نویسنده، نامی واحد و ثابت انتخاب گردد تا دسترسی مراجعه‌کننده به آثار او به آسانی میسر گردد. حال آنکه ضبط نام نویسنده همواره یکسان نیست؛ چه بسیار اسامی مستعار که نویسنده‌ای برای خود برمی‌گزیند و یا چه بسا نویسنده‌ای که به نام‌های گوناگون مشهور

۱. ویکی‌پدیا، مدخل نام مستعار.

۲. تیلور، آرلین جی؛ سازماندهی اطلاعات؛ ترجمه محمدحسین دینانی؛ ویرایش دوم، مشهد: کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۵۷.

۳. مولوی، فرشته؛ فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان؛ با همکاری شهرو دریاپی و مرضیه هدایت؛ ویراست دوم. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.

می‌شود یا عناصر مختلف نام او گاه به اختصار و گاه به تفصیل بر صفحه عنوان کتاب نقش می‌بندد. بنابراین چاره‌ای جز این نیست که یک شکل ثابت

از نام نویسنده برگزیده شود و همواره همان نام برای ثبت آثارش به کار رود و از نام‌های دیگر به نام برگزیده ارجاع داده شود.

فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان اثری بسیار سودمند است که به جامعه علمی ارائه شد، اما همواره جای خالی اثری که نام‌های مستعار نویسندگان و شاعران را یکجا گرد هم آورده باشد خالی بود. در سال‌های پیش قدمی درخور برای این مهم برداشته نشده و اگر ذکر رفته، فصلی از کتابی یا صفحه‌ای در ضمن مقاله‌ای و یا اشاراتی گذرا بوده است. آقای عباس مافی در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، اثری با عنوان «نام‌های مستعار نویسندگان و شاعران معاصر ایران» تهیه و منتشر کرده است که در این مجال به معرفی این اثر می‌پردازیم.

معرفی اثر

نویسنده، در این اثر به گردآوری اسامی شعرا و نویسندگان کشور پرداخته که شامل صدها تخلص شعرا و نام مستعار از نویسندگان فرهنگ و ادب معاصر ایران همراه با اسامی آنان در دو بخش تنظیم شده است.

بخش نخست به «نام‌های مستعار» اختصاص یافته است. در این بخش فهرستی از نام‌های مستعار نویسندگان و شاعران معاصر ایران گردآوری و به ترتیب الفبای اسم مستعار تنظیم شده است. در زیر هر اسم مستعار، نام و نام خانوادگی صاحب آن به همراه سال تولد و وفات و محل کاربرد و مآخذ مورد استفاده آن ذکر شده است.

برای نمونه

آبدزدک

صادقی، ابوالقاسم، ۱۳۲۶-

کاربرد: نشریه توفیق

ماخذ: سالنامه گل آقا، ۱۳۷۳

دخو

دهخدا، علی اکبر، ۱۲۵۸-۱۳۳۴

شاهرخ

جمالزاده، محمدعلی، ۱۲۷۰-۱۳۷۶

کاربرد: در مجله کاوه سالهای ۱۹۱۵-۱۹۳۰ م

ماخذ: سرگذشت و کار جمالزاده، نوشته مهرداد مهرین، تهران،

معرفت، ۱۳۴۲، ص ۵۱ و ...

در بخش دوم «نامهای اصلی اشخاص» ارائه شده است. این بخش نیز براساس الفبای نام خانوادگی و اسم نویسندگان و شاعران تنظیم شده که در ذیل هر نام فقط کلیه نام‌های مستعار مربوط به هر یک از آنان قید شده است.

برای مثال

روحانی، فضل‌الله

شیخ شلتوک

صنعان

ملای بومی

اگر ذهن را از بعضی کژتابی دآوری‌ها از نوع پنهان‌کاری‌ها و غیره بزداییم باید پذیرفت که نام مستعار توانسته است در ادبیات ملت‌ها جایگاهی ویژه برای خودنمایی اختیار کند. فیلیپ سولرز^۴ (۱۹۳۶م) ضمن مصاحبه‌ای در کتاب نقد عقل مدرن، ج ۲ می‌گوید من با نام مستعار «سولرز» می‌نویسم که در یک لغتنامه لاتین پیدایش کردم و می‌افزاید «اسم مستعار» در ادبیات، سنتی فرانسوی است و در ادبیات ما اسم‌های مستعار زیادی وجود دارند که بسیار نیرومند هستند چون ولتر و در مقابل سؤالی که می‌پرسد: آیا این شیوه‌ای برای خود را به عنوان فاعلی دیگر - در برابر خود قرار دادن نیست؟ می‌گوید: این شیوه‌ای است برای وسعت بخشیدن به عالم خیال شخصی و او را در وضعیت تحرک، تغییر، بحران، دگرگونی و دگردیسی قرار داده است. تحلیل وی را به نوعی می‌توان خواست بیشتر آنانی که با نام مستعار می‌نویسند نیز به شمار آورد.

در این میان شاعرانی را می‌شناسیم که از به‌کارگیری هر نامی جز نام واقعی پرهیز دارند؛ از این جمله ابوالحسن ورزی است که می‌نویسد: هرگز از تخلص در غزل‌ها استفاده نکردم و غزل‌ها را بدون تخلص ساخته و می‌سازم. علت این است که شعرهای من ترجمان واقعی

احساسات من و زبان دل و جانم بوده و هستند.

هر چند نام مستعار این‌گونه تعریف شده است: «نام مستعار، عنوان جایگزین و موقتی است جهت مخفی ساختن نام حقیقی یا آشکار ساختن یک هویت مستقل یا هر دو، که مورد استفاده افراد قرار می‌گیرد»،^۵ اما ناگفته پیداست که افراد مختلف انگیزه‌های متفاوتی و متعددی برای انتخاب نام مستعار دارند. نویسندگان در مقدمه این کتاب انگیزه افراد را جهت انتخاب نام مستعار تشریح کرده است.

صاحبان جراید که هیأت تحریریه کم‌شماری دارند گاهی از نام‌های مستعار متعددی استفاده می‌کنند تا به خوانندگان تلقین کنند که در آن نشریه افراد متعددی به فعالیت اشتغال دارند.

نویسندگان و شاعرانی بی‌اعتنا به شهرت و آوازه خویش، تنها به سبب مبارزه و ستیز با آنچه که خلاف اندیشه و پندار خود می‌دانستند به انتشار آثاری با نام دیگر می‌کردند.

بی‌نام و نشان نوشتن حربه دیگر نویسندگان نیز بود. گروهی از نویسندگان و شاعران چون عرصه جامعه را برای عرضه نوشته‌ها و سروده‌های خود تنگ و کوشش‌های فکری خود را با تعقیب و سانسور دستگاه‌های مربوط به حکومت مواجه می‌بینند، به دنبال محملی می‌گردند تا افکار و اندیشه‌های خود را به طریقی به مخاطبان خود رسانند.

عامل ترس از تکفیر و عصبیت بین گروه‌های سیاسی و مسلکی که به لحاظ عقیده و نوع اندیشه در حال تعارض و تقابل هستند نیز موجب می‌شود تا مطالب و عقاید طرفین برای متقاعد کردن یا ضربه‌زدن و در نتیجه رسیدن به مقاصد مورد نظر در زیر سپری از نام‌های مستعار منعکس شود. افزون بر عامل ترس گاهی جهل و یأس نیز در بعضی از این قبیل تصمیم‌گیری‌ها بی‌تأثیر نیست.

بعضی از نویسندگان نیز به دلیل ترس از شکست در نخستین اثری که ارائه می‌دهند و بی‌اعتمادی به ذوق هنری یا ادبی خود یا از بیم آنکه عقاید محبوب و مقدس آنها در دنیای قضاوت‌ها حرمت مورد نظر و لازم را کسب نمایند و مورد شماتت، استهزاء و تمسخر قرار گیرند، متوسل به نام مستعار در زمانی محدود و معین می‌شوند. آثاری این‌گونه گاه که با اقبال خوانندگان و نقادان مواجه می‌شوند، اغلب در چاپ‌های بعدی با نام واقعی نگارنده منتشر می‌شوند.

قبح و فضیحت موضوع و مطالب کتاب نیز گاهی باعث می‌شود تا نویسندگان این نوع آثار، خود را در غلاف نام مستعار پنهان کنند.

نویسندگانی را نیز می‌توان برشمرد که از فعالیت، تخصص و سبک

۵. پاک‌نهاد، مهدی؛ «نام مستعار در فرهنگ رسانه‌ای»؛ همشهری آنلاین، بازیابی شده از (۲۰ تیر ۱۳۹۴): <http://www.hamshahrionline.ir/details/37098>.

4. Philippe Sollers.

از شگردهای کاربرد نام مستعار، معکوس کردن نام کوچک یا نام خانوادگی یا هر دو است. مانند ریما که عکس امیر است و دنولا که همان الوند است.

انتخاب نام جنس مخالف نیز از دیگر نمایش‌های نام مستعار است. در این مورد صدری میرعمادی را داریم که با نام صدیقه مرزبان می‌نوشت و در جهان ناگور شاعر معروف هندی که در شروع کار نویسندگی (۱۸۷۷ م.) سروده‌هایی را با نام مستعار «بانو سینگ» در مجله بهاراتی به چاپ رسانید.

در نهایت می‌توان گفت پدیده نام مستعار در ادبیات جهان و نوشته‌های سایر ملل از سالیان دور به چشم می‌خورد، ولی فراوانی کاربرد آن به ویژه از سده پانزدهم میلادی با حضور دادگاه‌های معروف به تفتیش عقاید و افکار و ممانعت کلیساها از اشاعه اندیشه‌هایی خلاف آنچه از طریق کلیسا به جامعه و مردم تزریق و دیکته می‌شد بیشتر به چشم می‌آید. این‌گونه طفره رفتن از ذکر نام واقعی و کاربرد نام‌های ساختگی را به وفور در آثار بزرگان علم و ادب و هنر جهان می‌توان یادآوری کرد که دلایل خاصی را هر کدام به دنبال دارند. نویسندگان معروفی همچون مولیر، ولتر، آنتول، پابلو نرودا و ... که همگی نام مستعار هستند و به زحمت می‌توان نام واقعی آنها را یافت. با این وصف چه بسیار خالقانی که هرگز فرصت پیدا نکردند تا به همراه یادگارهایی که از خود برجای گذاشتند نام واقعی خود را جاویدان سازند و در کمال تأسف به گمنامی از دنیا رفتند.

اصلی خویش فاصله گرفته، به دنبال پیدا کردن راه استفاده از شور و استعداد تازه کشف کرده خود، در مجرای موضوعی دیگر، از نام مستعار استفاده می‌کنند.

گاهی مشکلات مالی نیز بی‌تأثیر در تغییر شیوه کار نیست. بهروز جلالی معتقد است که فروغ فرخزاد در سال‌های نخستین جدایی از خانواده خود، برای گذراندن زندگی، در مجلات آن زمان با نام مستعار مطالبی به صورت داستان و مقاله نوشته است.

تشابه نام‌ها نیز گاه از علل پدید آمدن نام مستعار است که گاه با توافق طرفین اضافات و کاستی‌هایی در نام واقعی به وجود می‌آورند تا خوانندگان قدرت تمیز آنان را بیابند.

انگیزه‌های انتخاب نام مستعار بسیار است که در اینجا سعی شد مهم‌ترین آنها آورده شود. ترفندها و شگردهایی که نویسندگان و شاعران در انتخاب نام مستعار داشتند نیز جالب توجه است که در ادامه به چند مورد آنها اشاره می‌شود.

علی جواهرکلام با نام اشخاص واقعی کتاب می‌نوشت که کتاب «شرح زندگانی من» را با نام ابوالقاسم لاهوتی نوشت.

ترفند دیگر ساخت نام مستعار از طریق تغییر و جابجایی نام‌های کوچک و فامیل است؛ مانند اسدالله شهریاری که یکی از نام‌های مستعارش شهریار اسداللهی است.

زهره مشهدی علی پور

قرآن و مسئله زن

قرآن و مسئله زن؛ مهدی مهریزی، تهران: نشر علم، ۱۳۹۲

اشاره

مباحث مربوط به زن که بیش از یک قرن است در کشورهای اسلامی و نزدیک به سه قرن است در جهان مورد توجه محققان، فعالان اجتماعی و سیاستمداران قرار گرفته، هنوز در صدر مسئله جهانی قرار دارد. بخش وسیعی از مطالعات حوزه دین در این سال‌ها به موضوع زن اختصاص یافته است. در ایران نیز در دهه‌های اخیر کتاب‌هایی در این زمینه به رشته تحریر درآمدند. در اینجا به معرفی کتاب یکی

از نویسندگان برجسته در این زمینه، جناب آقای مهدی مهریزی که اخیراً به چاپ رسیده می‌پردازیم. نویسنده گرانقدر یکی از شاخص‌ترین افراد در زمینه مطالعات زنان است که کتب متعددی از ایشان در این زمینه به چاپ رسیده است.

در بخش دوم که به گونه‌شناسی تفاسیر قرآن در مسئله زن می‌پردازند، مباحث را در سه بخش مطرح می‌کنند.

در ابتدا به طرح گونه‌شناسی تفاسیر قرآن در مسئله زن می‌پردازند. سپس بحث جنسیت و تفسیر قرآن کریم را مطرح می‌کنند و در نهایت به مسئله جنسیت و ترجمه قرآن کریم می‌پردازند.

اول: گونه‌شناسی تفاسیر در مورد زن: در اینجا مباحث را در پنج قسمت بیان می‌دارند. گونه‌شناسی تفاسیر قرآن در مسئله زن که در دوره معاصر نوشته شده است را (غالب تفاسیر تا دویست سال قبل با نگاه سنتی نوشته شده است) به چهار گونه تقسیم می‌کنند:

تفسیرهای سنتی: این تفاسیر مانند التفسیر المنیر گرچه در دوره معاصر نوشته شده است، ولی به سبک و سیاق سنتی است.

تفسیرهای توجیهی و تبیینی: این تفاسیر با تعدیل پاره‌ای از دیدگاه‌های تفسیری گذشته و ارائه دیدگاه‌های نو، به تبیین کلامی - اجتماعی تفاوت‌های زن و مرد در قرآن پرداخته‌اند مانند المنار، المیزان و تفسیر نمونه.

تفسیرهای نوگرایانه: در اینجا نیز با آوردن نمونه‌ای از تفاسیر من وحی القرآن، سیدحسین فضل الله و الحریر و التنویر، ابن عاشور به بیان دیدگاه اینان می‌پردازد که بارویکردی کاملاً نوگرایانه آیات مربوط به زن را تفسیر کرده و ضمن ارائه آرای جدید در تفسیر آیات قرآنی به تأثیرگذاری‌های فرهنگی در حوزه مسائل زنان توجه داشتند. مولف تلاش کرده تفاوت‌های ذاتی را از تفاوت‌های عرضی که معلول شرایط فرهنگی اند و نیز احکام موقت از ثابت را بازشناسند.

تفسیر جنسیتی (تفاسیر زنان از قرآن): در این بخش در تأیید تأثیر جنسیت و زنانگی و مردانگی در فهم قرآن، سخنانی از آمنه ودود، یکی از فعالان در این زمینه را می‌آورند.

در نهایت در پایان این مبحث تفسیر آیات مربوط به زن را از تفسیر ابوالفتوح رازی تالیف شده در قرن ششم که از سنخ تفاسیر غالب دوره‌های پیشین است را با همان نگاه رایج سنتی آیات تفسیر کرده و گزارش می‌کنند هجده مطلب را از این تفسیر در حوزه مسائل زنان انتخاب کرده و می‌آورد.

دوم: جنسیت و تفسیر قرآن کریم

در اینجا برای نشان دادن تأثیر مسئله جنسیت در تفسیر قرآن به بیان نمونه‌هایی از تفسیر بانو مجتهده امین می‌پردازد تا از این راه مشخص شود که آیا مردانگی و زنانگی مفسران در نوع تفسیرشان نسبت به آیات قرآن اثر گذاشته یا نه؟ و در نهایت پس از بررسی چندین آیه از این تفسیر می‌توان گفت که در تفسیر آیات مربوط به زن، به ویژه آیات مورد سؤال و پرسش، دو گونه برخورد و مشی در این تفاسیر دیده می‌شود:

کتاب قرآن و مسئله زن آخرین اثر در این زمینه از ایشان است که اخیراً توسط انتشارات علم به چاپ رسیده است. این کتاب شامل سه بخش است.

بخش اول: نگاهی کلی به آیات قرآن در مسئله زن می‌باشد.

بخش دوم: به گونه‌شناسی تفاسیر قرآن در مسئله اختصاص یافته است.

بخش سوم: چالش‌های قرآنی در مسئله زنان.

بخش نخست که نگاهی کلی به آیات قرآن در مسئله زن در پنج محور بیان می‌شود.

۱. فهرست آیات

۲. متن آیات، به همراه ترجمه، نمایه و شأن نزول

۳. ترتیب مکی و مدنی آیات

۴. نمایه‌های آیات

۵. تحلیل و جمع‌بندی

۱. در ابتدا فهرستی از آیات به ترتیب سوره‌ها در قرآن ارائه شده است. در اینجا که حالتی گزارشی گونه از آیات قرآن در مسئله زن دارد، سعی شده است فهرستی از آیات مرتبط با زن در این زمینه را فراهم آورند. نویسنده از آنجا که زن را به عنوان شخصیت حقیقی و نیز یک رکن قویم و اساسی در مسائل خانواده می‌داند، مسائل مربوط به والدین و فرزندان را نیز در دایره بحث قرار داده‌اند و آیات مربوط به فرزندان و والدین را نیز آورده است.

۲. سپس متن آیات به همراه ترجمه، نمایه موضوعی و شأن نزول آورده شده است.

۳. محور سوم گزارش ترتیب مکی و مدنی آیات مربوط به زن است که در این قسمت آیات را به ترتیب سوره‌های مکی و مدنی تنظیم کرده‌اند. سپس حاصل این فهرست‌ها در چند بند بدین صورت است.

- سوره‌های مکی حاوی آیات مربوط به زن، ۴۴ سوره است که نسبت به کل سوره‌های مکی، یعنی ۸۶ سوره، ۵۱٪ سوره‌ها را تشکیل می‌دهد.

- سوره‌های مدنی حاوی آیات مربوط به زن ۲۰ سوره است که نسبت به کل سوره‌های مدنی، یعنی ۲۸ سوره، ۷۱٪ سوره‌ها را به خود اختصاص داده است.

۴. در قسمت چهارم نمایه‌های موضوعی ذیل آیات استخراج و دسته‌بندی شده است. نخست نمایه‌های ذیل آیات به ترتیب آورده شده و سپس به تفکیک موضوعات سوره‌های مکی از مدنی و نیز سازمان‌دهی کلی موضوعات پرداخته شده است.

۵. در نهایت برای نشان دادن نمایی کلی از آیات به جمع‌بندی مطالب گذشته و سپس به تحلیل کلی از آیات مربوط به زن می‌پردازند.

چه می‌باشد. مؤلف محترم بر این باور است که این رأی مشهور نوعی ناسازگاری میان صدر و ذیل این جمله را به دنبال دارد؛ زیرا ابتدای این فراز بر برابری تأکید می‌کند و در ادامه بر امتیاز یکی از دو گروه بر دیگری سخن می‌راند. بدین جهت و برای رفع این ناسازگاری معنای مورد ادعای خودشان را ارائه داده و برای اثبات آن از ادله و شواهدی نیز استفاده می‌کنند و دربارهٔ بخش دوم آیه «وللرجال علیهن درجه» را بر این باور هستند که اگر به معنای مشهور، یعنی اثبات برتری حقوقی مردان بر زنان گرفته شود، تضادی در صدر و ذیل آیه به وجود می‌آید؛ بنابراین بهترین معنا را نظر غیر مشهوری از ابن عباس دانسته‌اند که درجه‌ای که خداوند متعال در این جایگاه ذکر کرده، گذشت مرد از زن خویش است، در برخی واجباتی که بر عهدهٔ زن گذاشته شده است و اینکه مرد نخواهد زن همهٔ وظایف خود در برابر مرد را به کمال انجام دهد.

در نهایت بر این باور هستند که منظور از تساوی، عام است و در اینجا با برآورد کلی حقوق، زنان و مردان را مساوی می‌دانند؛ بدین معنا که مثلاً مجموع قوانین به سود مردان نمی‌بایست بیشتر از قوانین به نفع زنان بوده و تفاوت فاحش و چشمگیری داشته باشد.

- قوامیت مردان: نویسنده در اینجا با طرح سه مسئله، آیه ۳۴ سوره نساء را بررسی می‌کند.

الف) در ابتدا «الرجال قوامون علی النساء» را که واگذاری سرپرستی و قوامیت زن به مرد است به بحث می‌گذارد و بر این باور است که آیه معنای عامی ندارد و سرپرستی خانواده دلالت دارد.

ب) سپس در معنای «فضل الله» نظر علامه فضل الله را تایید می‌کند که ضعف عاطفی مردان و در نتیجه عدم انفعال آنان از مشکلات و ضعف جسمانی زن به دلیل عادت و حمل را عامل این تفضیل دانسته و بر این باور است که در باب نقصان عقل نمی‌توان از این آیه بهره گرفت.

ج) در نهایت در جواز تنبیه بدنی زنان هفت تفسیر و دیدگاه را که در این باره ارائه شده است به اجمال گزارش می‌کند.

- ازدواج موقت

- متعه الطلاق

- شهادت و گواهی زنان

یک: مخالفت با تفسیرهای سنتی: این مفسران با دیدگاه‌های رایج و مشهور مخالفت کرده و تفسیرها و برداشت‌های گذشته را نمی‌پذیرند.

دو: تفسیر سنتی از آیات: این مفسران در برخی موارد مانند مشهور مشی کرده و به همان تفسیر سنتی دست می‌زنند.

در نهایت باید گفت نمی‌توان تأثیر جنسیت را در تفسیر متون و نیز متون مقدس نادیده گرفت.

در قسمت سوم از این بخش به مسئله جنسیت و ترجمه قرآن پرداخته‌اند و برای نشان دادن تأثیر مردانگی و زنانگی به مقایسه دو ترجمه از خانم طاهره صفارزاده و ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند در پاره‌ای از آیات مربوط به زن و خانواده می‌پردازند و نتیجه این مقایسه وحدت برداشت در پاره‌ای از موارد و اختلاف جزئی و کلی در پاره‌های دیگر از موارد است.

بخش سوم:

در بخش سوم که به چالش‌های قرآنی در مسئله زنان می‌پردازند، ابتدا رویکرد مثبت قرآن به زن را ارائه می‌دهند. آن‌گاه موارد اختلاف و تفاوت بین زن و مرد در قرآن را فهرست می‌کنند و در نهایت به تحلیل و بررسی این تفاوت‌ها می‌پردازند. در اینجا چهارده مسئله را به بحث می‌گذارند که برخی از آنها عبارتند از:

- رویکرد انسانی قرآن به زن

- آفرینش زن از مرد

- پیامبری زنان

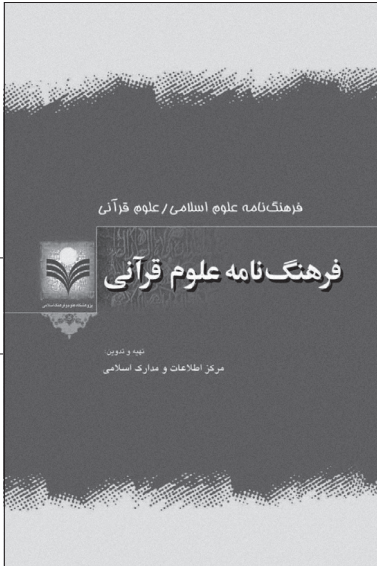
- رشد و نمو زنان در زینت: آیه ۱۸ زخرف «او من ینشوا فی الحلیه و هو فی الخصام غیر مبین» آیه‌ای است که برخی از مفسرین برای تأیید نقصان عقل زنان در مخاصمه به این آیه استناد کرده‌اند، در حالی که مؤلف محترم بر این باور است این آیه برای بیان واقعیت محیط تربیتی زن است؛ یعنی زن ذاتاً توان به دست گرفتن اسباب نیرومندی فکر و حرکت را داراست و آنچه خداوند در اینجا بیان می‌کند، واقعیتی بر اساس محیط تربیتی است.

- حیض و قاعدگی

- کید زنان. در اینجا آیه مربوطه بیان شده و سپس به نقد و بررسی دیدگاه برخی از مفسرین پرداخته شده است.

- برابری یا نابرابری حقوق زن و مرد یکی از مباحثی است در این بخش که به صورت مفصل به آن پرداخته شده است. در اینجا فرازهایی از آیه ۲۲۸ سوره بقره «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف وللرجال علیهن درجه» از دو زاویه مورد بحث واقع شده است. بحث اول این است که مراد از برابری و مثلثیت چیست و مراد از امتیاز و درجهٔ مردان بر زنان

فرهنگ نامه علوم قرآنی



فرهنگ‌نامه علوم قرآنی؛ گروهی از نویسندگان؛ قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.

فرهنگ‌نامه‌ها در گستره‌های گونه‌گون دانش، پژوهشیان و علاقه‌مندان رایاری می‌رسانند تا داده‌های مورد نظر خویش را به گونه‌ای مطلوب و جامع و مانع به کف آرند. بدین سان در بایستگی وجود چنین نگاشته‌هایی در علوم مختلف، از جمله علوم اسلامی، جای هیچ سخن نیست. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم که این ضرورت را دریافته، چندی است که به تدوین فرهنگ‌نامه‌هایی در زمینه اصول فقه، علوم حدیث و... همت گمارده است. فرهنگ نامه علوم قرآنی جدیدترین کار این مرکز است که آهنگ تعریف و تبیین اصطلاحات علوم قرآنی را دارد.

تصور نویسندگان این فرهنگ از علوم قرآنی مباحثی است که به صورت مستقیم با معنا و تفسیر آیات در پیوند نباشد. (ص ۵۳) بدین سان مباحث مربوط به ترجمه، بیان مفاهیم لغوی و مباحث تفسیری از گستره پژوهش این فرهنگ نامه خارج است و مراد ایشان از اصطلاحات علوم قرآنی واژگان مفرد یا مرکبی خواهد بود که در قالب خاصی، مفهومی از مفاهیم علمی خارج از مباحث متنی و تفسیری قرآن را ارائه می‌کنند. (ص ۵۵)

این تعریف باعث شده که در متن فرهنگ‌نامه با حجم معتنابهی از اطلاعات در موضوعات مختلف روبه‌رو شویم. برای نمونه: وحی و حقیقت آن، تاریخ نزول قرآن، تاریخ تدوین قرآن، قرائات، اعجاز قرآن، تحریف‌ناپذیری، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، اسباب نزول، تناسب آیات و سوره، رابطه قرآن و سنت، قصص قرآنی، اصطلاحات مربوط به تجوید و قرائت، تأویل، تفسیر و گرایشهای تفسیری، ترجمه، اصول ترجمه، معرفی ترجمه‌های قرآن به زبان‌های مختلف و مباحث تاریخی، کلامی، ادبی، فقهی و اصول فقهی مرتبط با علوم قرآنی و... که در استخراج و تشریح آنها از ۴۲۰ منبع بهره برده‌اند.

تنظیم مدخل‌های این فرهنگ‌نامه بر اساس حروف الفباست. تعداد

کل مدخل‌ها ۲۹۱۸ مدخل است که آمار آن به تفکیک هر حرف الفبا به شرح زیر است:
آ (۲۸۰ مدخل)، الف (۵۲۱ مدخل)، ب (۲۱ مدخل)، ت (۴۴۴ مدخل)، ث (۲ مدخل)،

ج (۳۴ مدخل)، چ (۱ مدخل)، ح (۱۱۷ مدخل)، خ (۸۴ مدخل)، د (۱۵ مدخل)، ذ (۴ مدخل)، ر (۳۵ مدخل)، ز (۲۰ مدخل)، س (۲۳۲ مدخل)، ش (۱۷ مدخل)، ص (۵۰ مدخل)، ض (۱۶ مدخل)، ط (۴۰ مدخل)، ظ (۲ مدخل)، ع (۷۵ مدخل)، غ (۴ مدخل)، ف (۷۴ مدخل)، ق (۱۸۷ مدخل)، ک (۱۳۳ مدخل)، ل (۹ مدخل)، م (۳۸۷ مدخل)، ن (۵۹ مدخل)، و (۴۸ مدخل)، هـ (۶ مدخل)، ی (۱ مدخل)
مدخل‌های فرهنگ‌نامه به دو دسته تقسیم می‌شوند: مدخل‌های ارجاعی و مدخل‌های اطلاعاتی. مدخل‌های ارجاعی مدخل‌هایی هستند که مراجعه‌کننده را از مدخل‌های نامرئج به مدخل‌های مرئج هدایت می‌کند. البته خود این ارجاعات هم بر دو گونه است:

ارجاع مترادف‌ها که خواننده را که به مدخلی دقیقاً هم معنا با مدخل مذکور ارجاع می‌دهد.

برای نمونه:

آیات اختصار ← آیات امتحان

سور صد گانه ← سور مئین

ارجاع محتوایی که خواننده را به بحثی مرتبط با مدخل مورد نظر ارجاع می‌دهد که مترادف نیستند و رابطه بین آنها عموم و خصوص مطلق، تضاد یا غیره است.

برای نمونه:

آیات ارضی ← سور سمائی

دانشمندان علوم قرآنی و مفسران قرآن در باره این آیه بدین قرار است:

۱. آیه ۲۷۸ سوره بقره (آیه ربا)، ۲. آیه ۲۸۱ سوره بقره، ۳. آیه ۲۸۲ سوره بقره (آیه دین)، ۴. آیه ۱۹۵ سوره آل عمران، ۵. آیه ۹۳ سوره نساء، ۶. آیه ۱۷۶ سوره نساء (آیه ارث کلاله)، ۷. آیه ۱۱۰ سوره کهف، ۸. آیه ۱۴۵ سوره انعام، ۹. آیه ۱۹۴ سوره آل عمران، ۱۰. آیه ۳ سوره مائده (آیه اکمال دین)، ۱۱. آیه ۹ سوره توبه، ۱۲. آیه ۱۲۷، ۱۲۸، و ۱۲۹ سوره توبه

قاضی ابوبکر باقلانی در «الانتصار» می‌گوید: در این اقوال چیزی که از قول شخص نبی اکرم باشد نیست و هر کس، از روی اجتهاد خود و ظن غالب سخنی گفته و محتمل است که هر یک از آخرین آیه‌ای خبر داده است که از نبی اکرم به هنگام وفات وی یا اندکی قبل از بیماری‌اش شنیده‌اند و دیگری بعد از او آیه‌ای را شنیده باشد.

محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۶۰.

عبد الرحمان بن ابی بکر سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۱.

علی بن محمد سخاوندی، جمال القراء و کمال الاقراء، ج ۱، ص ۱۴۳.

علی بن احمد واحدی، اسباب النزول، ص ۸.

محمد بن بهادر زرکشی، البرهان فی علوم القرآن (با حاشیه)، ج ۱، صص ۱۹۴ و ۲۰۹-۲۱۰.

محمد بن عبد العظیم زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۹۷.

محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص ۵۶۲ و محمد باقر حجّتی، پژوهشی در تاریخ قرآن، ص ۵۵.

علوم قرآنی (حوزه اصلی) ← وحی الهی ← وحی تشریحی ← قرآن ← آیات ← آیات مدنی ← آخرین آیه مدنی

آیات سمائی ← سور سمائی

تفسیر ظاهر قرآن ← تفسیر باطنی

ذیل ارجاعات محتوایی نموداری با عنوان زنجیره معنایی نیز آورده می‌شود تا از این طریق روابط معنایی اصطلاح مدّ نظر و جایگاه آن در شبکه معنایی اصطلاح‌نامه روشن شود.

برای نمونه:

آیات ارضی ← سور سمائی

علوم قرآنی (حوزه اصلی) ← وحی الهی ← وحی تشریحی ← قرآن ← آیات ← آیات ارضی

مدخل‌های اطلاعاتی که در واقع مدخل‌های اصلی هستند شش جزء دارند:

۱. معنا (معنای اصطلاح به ایجاز)

۲. شرح (تشریح معنا و چگونگی آن)

۳. مصادیق (نمونه‌هایی از آیات یا اقوال برای تأیید معنی یا معانی اصطلاح)

۴. اختلاف اقوال علما درباره اصطلاح

۵. زنجیره معنایی: این زنجیره معنایی درباره اصطلاحاتی آورده می‌شود که چندین معنای اعمّ و کلی‌تر از خویش دارند یا با مباحث دیگری در پیوند هستند.

۶. آدرس منابع و مأخذی که معنا و شرح از آن گرفته شده است

نمونه: آخرین آیه مدنی

آخرین آیه نازل شده در مدینه

از آنجا که بخش اخیر عمر شریف پیامبر در شهر مدینه سپری شد، آخرین آیه مدنی همان آخرین آیه نازل شده بر پیامبر است. آراء و اقوال